

بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد تعاونی‌های زنان روستایی (مطالعه موردی: سکونت‌گاه‌های روستایی بخش نیر و شهرستان ابرکوه استان یزد)

حسین خادمی^{*۱}

تاریخ پذیرش: ۲۱ فروردین ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۱۰ خرداد ۱۳۹۶

چکیده

تعاونی‌های روستایی از جمله نهادهای اساسی در جوامع روستایی به‌شمار می‌آیند که با به‌کارگیری فنون و رهیافت‌های مشارکتی نقش مؤثری در به‌کارگیری نیروی کار زنان ایفا می‌نمایند. بر همین اساس مطالعه حاضر، با هدف بررسی و یافتن زمینه‌های ایجاد تعاونی‌های تولیدی و خدماتی زنان در مناطق روستایی شهرستان ابرکوه و بخش نیر شهرستان تفت از توابع استان یزد انجام شده است. نوع تحقیق از نظر هدف کاربردی و در زمره تحقیقات توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر پیمایش است. برای تعیین حجم نمونه آماری، از طریق جدول برآورد حجم نمونه کرجسی و مورگان از میان زنان ساکن در محدوده مورد مطالعه، ۷۲ نفر تعیین شد که از دو ویژگی متقاضی بودن برای ایجاد تعاونی و آشنا بودن با زمینه‌های کار و فعالیت برای زنان، برخوردار بودند. روش جمع‌آوری اطلاعات کیفی، استفاده از روش ارزیابی مشارکتی روستایی (PRA) و برای اطلاعات کمی، از ابزار پرسشنامه بهره گرفته شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که ۸۱/۹ درصد زنان دیدگاه مثبت و موافقی در سطوح اجرایی زمینه‌های ایجاد تعاونی‌ها داشته که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان بخش‌های کشاورزی، آموزش و خدمات برشمرد. به این معنی که آنان خواستار برعهده گرفتن نقش‌های اجتماعی و اقتصادی بوده و عضویت در تعاونی‌هایی را ترجیح می‌دهند که مطابق با علاقه آن‌ها باشد.

کلمات کلیدی: ارزیابی مشارکت روستایی، اشتغال زنان، تعاونی‌های تولیدی، تعاونی روستایی

مقدمه

اشتغال از مسائل مهم و اساسی برای هر جامعه و شاخصی برای توسعه‌یافتگی هر ملتی است که دولت‌مردان، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان موظف به ایجاد زمینه‌هایی جهت اشتغال‌زایی افراد جامعه یا تسهیل روند آن هستند. نقش اشتغال در پویایی زندگی انسان‌ها انکارناپذیر است و می‌توان آن را کانون ارتباطات انسانی و اجتماعی تلقی کرد (آگهی و همکاران، ۱۳۹۱). به طوری که در گستره جهانی نقش عمده‌ای در فعالیت‌های اقتصادی دارد (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۳)، بنابراین به کارگیری توانایی‌ها و استعداد‌های زنان به قصد بهره‌گیری حداکثری از نیروی انسانی جوامع، مستلزم شناخت دقیق فعالیت‌های آنان است (لهسای زاده و همکاران، ۱۳۸۴). در واقع حضور زنان در ابعاد مختلف اجتماع از پیش‌نیازهای توسعه‌یافتگی کشور به‌شمار می‌رود (بندرز و نیک‌نامی، ۱۳۹۲). زنان روستایی به عنوان نیمی از جامعه انسانی علاوه بر داشتن مسئولیت اقتصادی، ایفاگر نقش‌های متعدد اجتماعی و فرهنگی در جوامع روستایی نیز هستند (شهبازی، ۱۳۸۱). اما استیلای وضعیت توسعه‌نیافتگی در فضای روستایی باعث شده که به رغم گستردگی مشارکت‌شان در فعالیت‌های روزانه اقتصادی و اجتماعی، از اقشار آسیب‌پذیر به‌شمار آیند. از این‌رو امروزه ارتقای جایگاه و منزلت آنان، از شرایط لازم برای دستیابی کشور به توسعه پایدار محسوب می‌شود (فائو، ۲۰۰۷). یعنی با شروع هزاره سوم و طرح موضوع توسعه پایدار به‌ویژه توسعه اجتماعی، مفهوم سرمایه اجتماعی و توجه روزافزون به جایگاه و نقش آن تداوم یافت (بگ لسدیک و اسچایک^۱، ۲۰۰۵) و چنان‌چه سرمایه اجتماعی، توانایی تأمین منافع از طریق عضویت در شبکه‌ها و سایر ساختارهای اجتماعی تعریف شود (پورتز و آلجاندر^۲، ۱۹۹۸)، تعاونی‌های تولید روستایی به‌عنوان یکی از اجتماعات محلی است که از آن می‌توان به‌عنوان مکانی برای خلق سرمایه اجتماعی نام برد (کلاتنری و همکاران، ۱۳۹۱) تا از این طریق حضور زنان در صحنه اجتماعی میسر گردد و راهبردی برای توانمندسازی آنان شمرده می‌شود (شعبانعلی فمی و همکاران، ۱۳۸۵). به عبارتی دستیابی به توسعه پایدار بدون مشارکت زنان و توانمندسازی آنان در تمامی عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی امکان‌پذیر نمی‌باشد و تشکیل تعاونی-های روستایی موجب به‌کارگیری فنون و رهیافت‌های مناسب برای مشارکت و حضور زنان در توسعه جوامع روستایی می‌گردد (تراوگر^۳ و همکاران، ۲۰۰۸). علاوه بر آن با تشکیل این تعاونی‌ها ضمن تحقق اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی، موجب تحقق عدالت اجتماعی نیز می‌شود (چامپوکو^۴، ۲۰۰۶). ضرورت تشکیل تعاونی‌های زنان روستایی از حیث نقش آن‌ها در افزایش مشارکت بیشتر در جامعه، توانایی تصمیم‌گیری، ایجاد توازن میان کار و مسئولیت‌های خانوادگی و دگرگونی هنجارهای اجتماعی به سمت برابری جنسیتی مهم تلقی می‌گردند (اسیم و امیرا^۵، ۲۰۰۹) و موجب ورود زنان در روند توسعه روستایی، افزایش توانمندی و بهبود وضعیت درآمد خانواده روستایی و پیشرفت اقتصادی آنان می‌شود. زیرا کار گروهی و مشارکت در تصمیم‌گیری، داشتن تفاهم و روابط مناسب بین اعضا منجر به ایجاد بسترهای مطلوب و لازم توانمندشدن زنان می‌شود (ریانو و اوکالی^۶، ۲۰۰۸).

1- Beuge Lsdijk and Schaiks
 2- Protes and Aljandro
 3- Trauger et al
 4- Champoko
 5- Esim and Omeira
 6- Riano and Okali

امروزه در رویکردهای توسعه نیز، افزایش فرصت‌های عمومی و نقش‌آفرینی گروه‌های مختلف اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است، به طوری که توسعه پایدار حاصل مشارکت همه گروه‌های اجتماعی به‌ویژه زنان روستایی است، از این رو تشکیل تعاونی‌های زنان یکی از راهکارهایی است که مشارکت آنان در فعالیت‌های جمعی مربوط به توسعه روستا تسهیل نموده و در رسیدن به توسعه پایدار نقش مهمی را ایفا می‌کند. بدیهی است منطق این تأکید، ضرورت استفاده از تمامی ظرفیت‌های بالقوه منابع انسانی برای توسعه است (اعظمی و سروش مهر، ۱۳۸۹) که براساس آن بر مهارت‌های زندگی، حق انتخاب، افزایش قدرت اقتصادی و اجتماعی، کنترل بر زندگی خود و منابع و توانایی تصمیم‌گیری و به‌طور کلی از طریق اثرگذاری بر آنچه در زندگی فردی و خانوادگی اهمیت دارد، می‌افزاید (چانت^۱، ۲۰۰۳). در همین راستا شهرستان ابرکوه و بخش نیر از توابع شهرستان تفت واقع در غرب و جنوب‌غربی استان یزد برای بررسی موضوع انتخاب شد. این محدوده به دلیل قرارگیری در جوار ارتفاعات شیرکوه (بخش نیر) و زاگرس (ابرکوه) از قابلیت‌ها و استعدادهای فراوانی در زمینه فعالیت‌های کشاورزی و خدماتی برخوردار است. انجام طرح‌های توسعه پایدار و همه‌جانبه در این ناحیه با تأکید بر ظرفیت‌های محلی و بومی از طریق مشارکت محلی امکان‌پذیر است که ضروری است در حال حاضر از زنان روستایی برای پیشبرد اهداف توسعه روستایی استفاده شود. براین اساس مسئله پژوهش حاضر این است که در تشکیل تعاونی زنان روستایی و ایجاد اشتغال چه عواملی مؤثر بوده‌اند. موضوع تعاونی‌های روستایی و اشتغال زنان مورد تحقیق و بررسی‌های گوناگون قرار گرفته که در این بخش به مرور برخی از مهم‌ترین نتایج و بررسی‌های انجام‌شده پرداخته می‌شود.

شاوورو همکاران^۲ (۱۹۹۱) در تحقیقی در خصوص عوامل مؤثر بر تشکیل تعاونی زنان، پیشینه زندگی فرد، میزان و نوع آموزش، تجربه‌های کاری، نوع یادگیری، میزان امکانات و منابع در دسترس و همکاری سازمان‌ها و نهادها در موفقیت تعاونی‌ها مؤثر می‌داند. پروکپی^۳ (۲۰۰۴) در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر مشارکت زنان در تعاونی‌های روستایی پرداخته که نتایج حاصله نشان داد، عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تعاونی‌ها عموماً به‌وسیله متغیرهای فردی، اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناسی سنجیده می‌شود. انترنام^۴ (۲۰۰۷) پژوهشی را با عنوان "عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تعاونی‌های تولید در مناطق روستایی کشور مالزی" انجام داد. نتایج حاصله نشان داد که بین میزان اعتماد اجتماعی و نهادی، منزلت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، شبکه‌ها و منابع اطلاعاتی با شکل‌گیری تعاونی‌های تولید در مناطق روستایی، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. اسپم و اومیرا (۲۰۰۹) در پژوهشی در کشورهای عربی به این نتیجه رسیدند که تعاونی‌های زنان روستایی ابزاری توانمند در اصلاح امور اقتصادی و اجتماعی به‌شمار می‌آیند. طاهرخانی و حیدری ساربان (۱۳۸۳) با هدف بررسی نقش تعاونی‌های تولید در توسعه مناطق روستایی شهرستان مشکین‌شهر مطالعه‌ای را انجام دادند. آن‌ها دریافتند که بین مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی با توسعه اقتصادی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. هم‌چنین رنجبر و منفردی راز (۱۳۸۶) مطالعه‌ای با عنوان "بررسی روش‌های آموزشی و ترویجی بخش تعاون و ارائه راهکارها" انجام دادند. نتایج حاصله نشان داد که آموزش و ترویج

1- Chant

2- Shaver et al

3- Prokopy

4- Enternam

باعث افزایش کارایی و بهره‌وری تعاونی‌ها می‌شود. اعظمی و سروش مهر (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان "تأثیر متغیرهای فردی و اقتصادی زنان روستایی بر مشارکت آنان در تعاونی تولید شهرستان پاوه" به این نتیجه رسیدند که بین مشارکت زنان و مؤلفه‌های فردی-اقتصادی رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است. هم‌چنین حیدری ساربان (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر تشکیل تعاونی‌های تولیدی در مناطق روستایی استان اردبیل" به این نتیجه رسید که عامل ترویجی بیشترین تأثیر را در میزان تشکیل تعاونی‌های تولیدی در مناطق روستایی داشته است و در مرحله بعد عوامل اجتماعی، اقتصادی و محیطی به ترتیب از عوامل تأثیرگذار در تشکیل تعاونی‌های تولید در مناطق روستایی بوده است. هادی‌زاده بزاز و همکاران (۱۳۹۲) مطالعه‌ای به نام "سنجش و ارزیابی عوامل مؤثر بر بهبود عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی در استان خراسان" انجام دادند. نتایج حاصله نشان داد که مهم‌ترین عامل بهبود عملکرد تعاونی‌ها، حمایت‌های دولت در اجرای اقدامات زیربنایی است و در مرحله بعد نحوه مدیریت و میزان انگیزه و مشارکت اعضا مهم‌ترین عوامل هستند. در تحقیق بندرز و نیک‌نامی (۱۳۹۲) در استان ایلام که به بررسی شناسایی عوامل اجتماعی، فرهنگی مؤثر بر توانمندسازی اعضای تعاونی‌ها روستایی زنان پرداختند، این نتیجه حاصل شد که مدیریت مشارکتی در تعاونی‌ها، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر تشکیل و توانمندسازی اعضا است. نتایج پژوهش علی‌بیگی و گلابی (۱۳۹۲) در شهرستان فلاورجان درخصوص تحلیل میزان مشارکت زنان روستایی در تعاونی‌ها، نشان داد که عوامل فردی-اجتماعی و اقتصادی و نهادی در تشکیل و در نهایت بر مشارکت زنان در تعاونی نقش بسزایی دارد. حسینی و لشکرآرا (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان "شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه مهارت‌های کارآفرینی در زنان روستایی استان فارس" به این نتیجه رسیدند که عوامل آموزشی، روان‌شناختی، مدیریتی و اقتصادی در توسعه مهارت‌های کارآفرینی نقش اساسی دارند و موجب گسترش فعالیت‌های تعاونی‌ها می‌گردند.

با بررسی و مقایسه مطالعات داخلی و خارجی می‌توان نتیجه گرفت که تعاونی زنان روستایی یکی از مهم‌ترین اجتماعات محلی است که موجب حضور زنان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی، افزایش توانمندی، بهبود درآمدخانوار، افزایش مهارت‌های زندگی و توانایی تصمیم‌گیری آنان می‌شود. مطالعات خارجی نگاهی به عوامل ایجاد تعاونی‌ها نظیر پیشینه زندگی فرد، میزان و نوع آموزش، تجربه کاری و نوع فعالیت و میزان اعتماد اجتماعی دارند و در مطالعات داخلی ضمن پرداختن به تأثیر این تعاونی‌ها در توسعه و گسترش اشتغال در مناطق روستایی، به نقش آموزش و ترویج و حمایت دولت در بهبود و عملکرد تعاونی‌ها تأکید دارند. با نگاهی به مطالعات انجام شده می‌توان دریافت که در پژوهش حاضر به نقش تأثیر نوع فعالیت‌ها در ایجاد تعاونی‌ها پرداخته شده است.

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر براساس هدف، کاربردی است. از نظر روش انجام تحقیق به روش پیمایشی صورت گرفته که با استفاده از روش ارزیابی مشارکتی روستایی (PRA) و بر انگاره کیفی عملگرا و مشارکتی تأکید دارد. در این تحقیق زنان ساکن در ۱۰ روستای بخش نیر (شهرستان تفت) و ۱۰ روستای شهرستان ابرکوه استان یزد در سال ۱۳۹۵ که از دو ویژگی عمده متقاضی بودن برای ایجاد تعاونی و آشنا بودن با زمینه‌های کار و فعالیت برای زنان برخوردار بودند، به عنوان جامعه آماری مورد پژوهش انتخاب شدند.

برای تعیین حجم نمونه آماری نیز از طریق جدول برآورد کرجسی و مورگان از میان این زنان، حجم نمونه ۷۲ نفر به‌دست آمد و در هر روستا با توجه به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب گردید. جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش در دو مرحله انجام پذیرفت. مرحله اول شامل گردآوری اطلاعات مبانی نظری و سوابق مطالعاتی مرتبط با موضوع با استفاده از روش مطالعات کتابخانه‌ای بود و مرحله دوم گردآوری اطلاعات کیفی بود که از روش ارزیابی مشارکتی روستایی مانند طوفان اندیشه، بحث گروهی، امتیازبندی، ماتریس و مقایسه دو زوجی بهره گرفته شد و پس از تجمع افراد مدعو در محل برگزاری کارگاه، فرآیند ادامه کار به شرح ذیل انجام شد:

اعلام هدف برگزاری کارگاه و تأکید بر این موضوع که انتخاب زمینه‌های تشکیل کارگاه از سوی خود افراد مؤثرتر از روش‌های دیگر جهت گزینش زمینه‌ها است.

معرفی اعضا، اخذ نظرات با توزیع کارت و رعایت فرصت کافی جهت انجام کار انفرادی.

تشکیل کارگروه‌های منسجم با رأی شرکت‌کنندگان، توضیح و توجیه افراد و اولویت‌بندی براساس مقایسه دو زوجی و ماتریس ملاک‌ها به تناسب تعاملات در کارگاه.

انجام کارگروهی توسط کارگروه‌ها به‌منظور اولویت‌بندی فهرست‌های قبلی و معرفی دو اولویت پس از بحث گروهی.

ارائه اولویت‌ها به‌صورت بصری جهت رویت کلیه اعضا کارگاه بر روی برگه.

عنوان‌بندی موارد الحاقی و تثبیت آن‌ها بر روی کاغذ به‌عنوان نتیجه اولیه کارگاه براساس عنوان مشترک با بحث گروهی.

تقسیم عناوین بین کارگروه‌های جدید براساس گرایش و تسلط اولیه.

انجام کار گروهی به‌منظور ارائه مشکلات و راه‌حل‌ها.

ارزیابی بصری توسط اعضا به‌منظور درجه‌بندی مشکلات و راه‌حل‌های مربوطه و حذف احتمالی موارد اضافی یا مشابه. هم‌چنین به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات کمی از ابزار پرسشنامه استفاده شد که با بیان کمی از اولویت‌های زمینه‌های ایجاد تعاونی زنان اطلاعات به‌دست آمد. پرسشنامه در زمینه ارزیابی زمینه ایجاد تعاونی تولیدی با ۶۳ عنوان بود که برای ارزیابی از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده شد. برای انجام محاسبه مربوطه بعد از واردکردن نظرات افراد مورد مطالعه در نرم افزار SPSS تمامی گزینه‌ها زمینه جمع شد که براین اساس حداکثر امتیاز ۳۱۰ و حداقل آن ۵ بود. هم‌چنین به‌منظور ارتباط این متغیر با متغیرهای دیگر از آمار تحلیل همبستگی (ضریب همبستگی اسپیرمن) استفاده گردید. میزان اعتبار پرسشنامه‌های مذکور با ۳۰ پرسشنامه از پرسشنامه‌هایی که روایی آن‌ها از طریق پانل متخصصان تعیین گردیده بود، با انجام آزمون مقدماتی در منطقه مشابه (شهرستان خاتم) با جامعه مورد مطالعه انجام گرفت. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، پاسخ‌ها جمع‌بندی گردید و درنهایت از طریق ضریب آلفای

کروناخ اعتبار آن تعیین گردید که ضریب مذکور در بخش ارزیابی زمینه‌ها ۰/۹۳ به دست آمد.

نتایج و بحث

همان‌گونه که مطرح شد براساس روش‌شناسی تحقیق، تجزیه و تحلیل اطلاعات به دو صورت کمی و کیفی انجام گرفت. ابتدا یافته‌های کیفی حاصل از اعمال روش ارزیابی مشارکتی روستایی (PRA) مورد بررسی قرار گرفت. سپس با جمع‌بندی آن‌ها زمینه‌های ایجاد تعاونی از دیدگاه زنان مورد مطالعه مشخص گردید. در بخش کمی نیز یافته‌های آمار استنباطی مورد تحلیل قرار گرفت.

ویژگی‌های فردی

نتایج حاصل از این تحقیق بیانگر آن است که سهم گروه سنی ۲۵-۲۱ سال از مجموع گروه‌های سنی زنان مورد مطالعه برابر با ۵۱/۴ درصد بوده که بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است. میزان تحصیلات آنان نشان می‌دهد ۳۸/۹ درصد افراد دیپلم، ۳۳/۳ درصد لیسانس و ۱۵/۳ درصد دانشجو بودند که در مجموع ۹۵/۸ درصد سطح سواد این گروه دیپلم به بالا بوده است. هم‌چنین درآمد اکثر زنان مورد مطالعه (۷۱/۴ درصد) کمتر از ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال در سال است (جدول ۱).

جدول ۱. مشخصات فردی زنان روستایی

مشخصات فردی	فراوانی	درصد
۲۰ سال و کمتر	۹	۱۲/۵
۲۱-۲۵	۳۷	۵۱/۴
۲۶-۳۰	۱۴	۱۹/۵
۳۱-۳۵	۷	۹/۷
۳۶-۴۰	۵	۶/۹
جمع	۷۲	۱۰۰
سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
سیکل	۳	۴/۲
دیپلم	۲۸	۳۸/۹
فوق دیپلم	۶	۸/۳
لیسانس	۳۴	۳۳/۳
دانشجو	۱۱	۱۵/۳
جمع	۷۲	۱۰۰
متوسط درآمد سالانه (ریال)	فراوانی	درصد
زیر ۱۰۰۰۰۰	۲۶	۳۵/۷
۱۰۰۰۰۰-۲۰۰۰۰۰۰	۲۶	۳۵/۷
بالای ۲۰۰۰۰۰۰	۲۰	۲۸/۶
جمع	۷۲	۱۰۰

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۲. توزیع و درصد فراوانی زمینه‌های تشکیل تعاونی‌ها

آشنایی با نحوه کار تعاونی تولید		
درصد	فراوانی	پاسخ
۳۸/۹	۲۸	بلی
۶۱/۱	۴۴	خیر
۱۰۰	۷۲	جمع
وضعیت عضویت زنان در تشکل غیر از خانواده		
درصد	فراوانی	پاسخ
۶۹/۴	۵۰	بلی
۳۰/۶	۲۲	خیر
۱۰۰	۷۲	جمع
عضویت در سیکل تولیدی و خدماتی		
درصد	فراوانی	پاسخ
۲۳/۶	۱۷	بلی
۷۶/۴	۵۵	خیر
۱۰۰	۷۲	جمع
سابقه اقدام به کار تولیدی و خدماتی		
درصد	فراوانی	پاسخ
۳۴/۷	۲۵	بلی
۶۵/۳	۴۷	خیر
۱۰۰	۷۲	جمع
وضعیت آگاهی از مزایای عضویت در تعاونی‌ها		
درصد	فراوانی	پاسخ
۴۵/۸	۳۳	سرمایه کم
۲/۸	۲	سرمایه زیاد
۳۴/۷	۲۵	مهارت کافی
۱۶/۷	۱۲	سرمایه زیاد و مهارت کافی
۱۲	۷۲	جمع
وضعیت برخورداری از حمایت دولت در تعاونی‌ها		
درصد	فراوانی	پاسخ
۸۴/۷	۶۱	بلی
۱۵/۹	۱۱	خیر
۱۰۰	۷۲	جمع

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر اساس جدول دو حدود ۶۱/۱ درصد زنان هیچ‌گونه اطلاعی از نحوه فعالیت‌های تعاونی‌های تولیدی و خدماتی نداشتند. ۶۹/۴ درصد از آنان در هیچ تشکلی عضو نبودند. حتی ۷۶/۴ درصد این گروه از زنان روستایی در تشکل‌ها و تعاونی‌های تولیدی و خدماتی عضویت هم نداشتند. بررسی‌ها نشان دهنده آن است که ۶۶/۷ درصد زنان مورد مطالعه

علاقه بیشتری در زمینه انجام فعالیت‌های صنایع دستی از خود نشان می‌دهند و این در حالی است که بیش از ۶۵/۳ درصد آنان فاقد هرگونه سابقه فعالیتی در این زمینه‌ها بوده‌اند. اما اعتقاد داشتند که عضویت در تعاونی‌های روستایی موجب ایجاد شغل و افزایش مهارت‌ها و توانایی خود در زمینه‌های مختلف اقتصادی می‌گردد (۷۱/۲۷ درصد) و از طرفی حدود ۴۵/۸ درصد زنان جامعه آماری تأکید کردند که تشکیل شرکت تعاونی از این جهت دارای مزیت برتری است که با سرمایه کم، قادر به انجام فعالیت می‌گردند. به همین دلیل ۸۴/۱ درصد این افراد ایجاد و رونق تعاونی‌های روستایی را منوط به حمایت دولت از این تشکیلات دانستند. در این بررسی‌ها مشخص شد که زنان روستایی به‌منظور کسب جایگاه و منزلت اجتماعی و برعهده گرفتن نقش‌های اجتماعی در روستای خود، متمایل به عضویت در تعاونی‌ها هستند.

یافته‌های کیفی ارزیابی مشارکتی روستایی

در این بخش از تحقیق با استفاده از روش ارزیابی مشارکتی روستایی، این نتایج به‌دست آمد که زمینه‌های تشکیل تعاونی‌های تولیدی و خدماتی از دیدگاه زنان جامعه آماری در بخش نیر شامل کشاورزی، آموزش، خدمات و پشتیبانی و صنعت است، به نظر آنان، بیشترین امتیاز، متعلق به شرکت تعاونی تولید کشاورزی (۱۱۲) در زمینه‌های ایجاد مؤسسه تولید نهال، احداث کارگاه تولید قارچ صدفی، پرورش ماهی، بسته‌بندی محصولات کشاورزی، پرورش شترمرغ و زنبورعسل، تأسیس گلخانه و جمع‌آوری گیاهان دارویی و کمترین امتیاز متعلق به تشکیل شرکت‌های تعاونی صنعت بوده است (۶۲) (جدول ۳).

جدول ۳. عنوان‌بندی زمینه‌ها با استفاده از شیوه ارزیابی مشارکتی توسط زنان جامعه مورد مطالعه در بخش نیر

کشاورزی ۱۱۲	آموزش ۶۵	خدمات و پشتیبانی ۶۴	صنعت ۶۲
تعاونی تولید نهال	احداث مؤسسه آموزشی	ایجاد منطقه گردشگری	کارگاه تهیه عرقی‌جات
تولید قارچ صدفی و سایر	آموزش هنرهای دستی	ایجاد بازار هفتگی	کارگاه تولید فرش دستباف
پرورش ماهی	-	بازار صنایع دستی منطقه	کارخانه کمپوت‌سازی
بسته‌بندی محصولات کشاورزی	-	بازار فروش صنایع دستی	-
جمع‌آوری گیاهان دارویی	-	تهیه عرقی‌جات گیاهی	-

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که مطرح شد بررسی نتایج نشان داد، ایجاد شرکت تعاونی‌های تولید کشاورزی از اولویت اصلی برخوردار است، از این رو به‌منظور تحلیل کیفی زمینه‌های مرتبط با فعالیت‌های این بخش و شناخت مسائل و مشکلات آن تبادل نظر و بحث گروهی صورت گرفت که طبق جدول ۴ مهم‌ترین مسائل مربوط به تشکیل تعاونی‌های کشاورزی، آموزش و سرمایه معرفی شد.

جدول ۴. تحلیل زمینه‌های معرفی‌شده در بخش نیر از دیدگاه افراد مورد مطالعه

هدف	زمینه فعالیت	سازمان‌های ذی‌ربط	مسایل	مشکل
	پرورش ماهی	تعاون، شیلات، جهادکشاورزی	آموزش	سرمایه اولیه
	پرورش قارچ	جهادکشاورزی	آموزش	سرمایه و مکان
ایجاد تعاونی در بخش کشاورزی منطقه نیر	تهیه عرقی‌جات گیاهی	صنایع روستایی	سرمایه، امکانات	-
	پرورش زنبورعسل	جهادکشاورزی	سرمایه، امکانات	-
	بسته‌بندی محصولات	صنایع روستایی، جهادکشاورزی	سرمایه	مکان، نیروی انسانی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول ۵. عنوان‌بندی زمینه‌ها از منظر زنان مورد مطالعه شهرستان ابرکوه

کشاورزی ۱۵۰	خدماتی ۱۲۴	آموزشی ۱۷۸	صنایع ۱۳۱	توزیع ۳۱
پرورش قارچ	تعاونی دوخت و دوز	تعاونی موسیقی، نقاشی و طراحی	تولید تابلوفرش و کالاهای مورد مصرف قالیچه و گلیم	توزیع گیاهان دارویی
پرورش دام	تعاونی خدمات چاپ	آموزش بهداشت	تولید پوشاک	-
تولید نهال‌های درختان میوه	خدمات تبلیغاتی	آموزش مهارت رانندگی	بسته‌بندی لبنیات	-
پرورش بلدرچین	کلاس‌های ورزشی	آموزش اینترنت	تولید صنایع‌دستی	-
صنایع تبدیلی و بسته‌بندی مانند بسته‌بندی خشکبار	فروش صنایع دستی	آموزش صنایع‌دستی	تولید و بسته‌بندی سفیدآب و صابون محلی	-
پرورش آبزیان (شیلات)	تعاونی فیلمبرداری	آموزش تابلوفرش	تولید عروسک	-
تولید و بسته‌بندی سبزی‌جات و گیاهان دارویی و خشکبار و نان (تنور سنتی)	خدمات سفره عقد	آموزش تشریفات مجالس	تولید غذا و نان محلی	-
پرورش گل‌وگیاه تزئینی	خدمات مجالس	-	-	-

مأخذ: یافته‌های تحقیق

سرانجام به‌منظور شفاف‌تر شدن زمینه‌های موردنظر ذی‌نفعان برای تشکیل تعاونی‌های تولید، از زنان مورد مطالعه خواسته شد که به‌طور مشخص و واضح و طبق مدل مرحله قبلی بیان نمایند که خواستار فعالیت در چه زمینه‌هایی به‌منظور تشکیل شرکت تعاونی هستند که بر این اساس آنان متقاضی تشکیل شرکت تعاونی در ۴۵ زمینه بودند؛ ولی

آنچه توسط جامعه زنان بیشتر تکرار و مطرح شد، تشکیل شرکت تعاونی در زمینه‌های بسته‌بندی محصولات کشاورزی، ایجاد مزارع قارچ و بسته‌بندی و فروش محصولات تولیدشده و پرورش ماهی و فروش آن بود.

بررسی نتایج پژوهش در نقاط روستایی بخش مرکزی شهرستان ابرکوه نشان می‌دهد که زمینه‌های تشکیل تعاونی‌های تولیدی و خدماتی زنان روستایی از دیدگاه آنان شامل کشاورزی، خدمات، آموزش، صنایع و توزیع بوده است. بیشترین امتیاز به ایجاد شرکت تعاونی در زمینه آموزش (۱۷۸) مانند آموزش صنایع دستی، اینترنت، رانندگی و غیره و کمترین امتیاز به تشکیل شرکت تعاونی در زمینه مسائل توزیعی (۳۱) تعلق گرفت.

بنابراین با توجه به وجود زمینه‌های بالای تشکیل تعاونی‌ها در بخش آموزشی در شهرستان ابرکوه، مسائل و مشکلات این بخش از دیدگاه زنان مورد مطالعه براساس نتایج حاصله از بحث‌های گروهی و مشارکتی به شرح جدول ۶ بیان گردید.

جدول ۶. تحلیل کیفی بخش خدمات و آموزش از دیدگاه زنان مورد مطالعه شهرستان ابرکوه

عنوان	دستگاه ذی‌ربط	مسائل	مشکلات
خدمات و آموزش	فنی و حرفه‌ای	نیروی انسانی متخصص مسائل و امکانات آموزشی مکان مناسب آموزش گرفتن مجوز بازار مناسب	کمبود امکانات
	مرکز بهداشت		کمبود نیروی خلاق
	آموزش و پرورش		همکاری ضعیف دستگاه به-
	اداره ارشاد اسلامی		طور مستمر
	سازمان میراث فرهنگی		کمبود سرمایه
	اداره بازرگانی		هزینه‌ها
سازمان میراث فرهنگی		بالابودن قیمت وسایل کار	
سازمان فناوری و اطلاعات		بازاریابی و صادرات	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

یافته‌های کمی

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که سطح قابلیت اجرای زمینه‌های تشکیل تعاونی‌های تولیدی-خدماتی در روستاهای مورد مطالعه از سطح بالایی برخوردار است. به عبارتی ۸۱/۹ درصد زنان مورد مطالعه دیدگاه موافق و مثبتی را در سطوح اجرایی زمینه‌های ایجاد تعاونی‌ها داشتند (جدول ۷).

جدول ۷. توزیع فراوانی سطوح اجرای زمینه‌های ایجاد تعاونی

سطوح	تعداد	درصد	درصد تجمعی
ضعیف	۱۳	۱۸/۱	۱۸/۱
متوسط	۲۰	۲۷/۸	۴۵/۸
خوب	۳۱	۴۳/۱	۸۸/۹
عالی	۸	۱۱	۱۰۰
کل	۷۲	۱۰۰	-

مأخذ: یافته‌های تحقیق

اما مهم‌ترین زمینه تشکیل تعاونی‌های زنان روستایی به نظر آنان ایجاد واحد آموزش هنرهای دستی بود. ایجاد واحد آموزش رانندگی بانوان و آموزش حرفه‌ای و مهارتی در اولویت‌های بعدی قرار گرفت (جدول ۸).

جدول ۸. اولویت‌بندی زمینه‌های ایجاد تعاونی زنان از دیدگاه جامعه آماری مورد مطالعه

اولویت‌ها	زمینه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار
۱	ایجاد واحد آموزش هنرهای دستی	۷۲	۱/۳۹	۰/۶۴۰
۲	ایجاد واحد آموزش رانندگی بانوان	۷۲	۱/۶۰	۰/۷۴۴
۳	ایجاد واحد آموزش حرفه‌ای و مهارتی	۷۲	۱/۶۰	۰/۹۴۴
۴	ایجاد واحد خدمات سرویس مسافرتی و زیارتی	۶۸	۱/۶۶	۰/۸۰۳
۵	ایجاد واحد ارائه خدمات کامپیوتر	۷۲	۱/۶۷	۰/۶۵۰
۶	ایجاد واحد آموزش صنایع دستی و تابلو فرش	۷۲	۱/۶۸	۰/۷۰۹
۷	ایجاد واحد باشگاه ورزشی و تفریحی بانوان	۷۲	۱/۷۶	۰/۸۳۱
۸	ایجاد واحد مزرعه پرورش قارچ خوراکی	۷۲	۱/۷۸	۰/۸۲۶
۹	ایجاد واحد تولید بسته‌بندی خشکبار	۷۲	۱/۷۸	۰/۸۲۶
۱۰	ایجاد واحد آموزش اینترنت	۷۰	۱/۸۱	۰/۹۲۱
۱۱	ایجاد واحد عرضه محصولات فرهنگی ویژه بانوان	۷۰	۱/۸۲	۰/۷۹۳

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج بررسی اهمیت زمینه‌های تشکیل تعاونی زنان در مناطق روستایی مورد مطالعه نشان داد که انگیزه‌های اصلی ایجاد این نوع تعاونی‌ها مبتنی بر عوامل زمینه‌ای موجود در جامعه زنان بوده است که بر این اساس به منظور تعیین و جایگاه هر یک از آن‌ها، رابطه بین زمینه‌های معرفی شده (متغیر وابسته) با هر یک از مؤلفه‌های سن، محل سکونت، نوع اطلاع افراد، عضویت افراد در تشکل‌ها و تعاونی‌ها (متغیر مستقل) از طریق ضریب همبستگی اسپیرمن بررسی شد (جدول ۹).

جدول ۹. رابطه بین زمینه‌های معرفی شده توسط زنان با متغیرهای مستقل

متغیرها	زمینه‌ها	ضریب همبستگی	سطح معنی‌داری
سن	۰/۰۳۳	۰/۷۹۲	
محل سکونت	۰/۳۷۹	۰/۰۰۰۱	**
نوع اطلاع	۰/۱۲۸	۰/۲۸۵	
عضویت افراد در هر تشکلی	۰/۱۸۵	۰/۱۲۱	
عضویت در تشکل‌های تولیدی	۰/۳۳۳	۰/۰۰۶	**
درآمد	۰/۲۶۵	۰/۳۶۱	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر این اساس بین متغیر سن با متغیر ارزیابی زمینه‌ها رابطه‌ای به دست نیامد، به عبارتی برای تشکیل شرکت‌های

تعاونی، طبقه سنی خاصی لازم نیست. زنان از هر گروه سنی می‌توانند باهم مشارکت داشته‌باشند و مبادرت به کار و فعالیت در قالب تعاونی نمایند. همچنین بین متغیر نوع اطلاع با متغیر ارزیابی زمینه‌ها رابطه‌ای به‌دست نیامد. بنابراین اطلاع داشتن از نحوه کار تعاونی نمی‌تواند عامل مهمی برای نوع زمینه کاری زنان روستایی در تعاونی‌ها به‌شمار آید. بررسی نتایج ضریب همبستگی و سطح معنی‌داری بین متغیر عضویت زنان در هر تشکلی با ارزیابی زمینه‌ها نشان داد که رابطه معنی‌داری بین دیدگاه زنان عضو سایر تشکلهای با زنان غیرعضو نسبت به ارزیابی زمینه‌ها وجود ندارد. به عبارتی عضویت در گروه نتوانسته به عامل مهمی برای توافق نظر زنان در مورد ایجاد زمینه‌ها باشد. همچنین بین متغیر عضویت زنان در تشکلهای تولیدی و ارزیابی زمینه‌ها رابطه منفی وجود دارد ($r=0/333$) به این مفهوم زنانی که عضو تشکلهای تولیدی بودند و زنانی که عضو نبودند دیدگاه متفاوتی در مورد ارزیابی زمینه‌ها داشتند. در حقیقت عضویت در تشکلهای تولیدی عامل مهمی برای ارزیابی زمینه‌ها بود. بین متغیر میزان درآمد با متغیر ارزیابی زمینه‌ها رابطه‌ای حاصل نشد. به عبارتی میزان درآمد حاصل از عضویت در تشکلهای تولیدی، نتوانسته بود عامل مهمی برای ارزیابی زمینه‌ها باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتایج حاصل از مطالعات صورت گرفته توسط متخصصین در نقاط مختلف، تعاونی‌های روستایی نقش بسیار مهمی در بهبود جایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی بر عهده دارند. به‌طوری‌که با ایجاد زمینه‌های لازم جهت کسب درآمد و سرمایه، موجبات هر چه بیشتر مشارکت آنان را در امر تصمیم‌گیری به‌وجود می‌آورند که این امر باعث ایجاد خودباوری در زنان گشته و نهایتاً نقش زنان روستایی در فرآیند توسعه به‌طور برجسته نشان می‌دهند. براین اساس در این تحقیق که مناطق روستایی بخش نیر از توابع شهرستان تفت و روستاهای شهرستان ابرکوه (استان یزد) مورد بررسی قرار گرفت، نتایج نشان داد آن‌چه در اولویت نخست مورد توافق زنان شرکت‌کننده در کارگاه ارزیابی مشارکتی روستایی قرار گرفت، ایجاد شرکتهای تعاونی می‌تواند به افزایش توانمندی، توسعه اشتغال و درآمد زنان منجر شود که در مطالعات شعبانعلی فمی و همکاران (۱۳۸۵)، تراوگر و همکاران (۲۰۰۸)، چامپکو (۲۰۰۶)، اسیم و امیرا (۲۰۰۹) و ریانو و اوکالی (۲۰۰۸) مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. اما آن‌چه براساس تحلیل کیفی در کارگاه‌های این بخش به‌دست آمد این‌که از مهم‌ترین مسائل درگیر در تشکیل این نوع تعاونی‌ها، آموزش و سرمایه است که در مطالعات شاور و همکاران (۱۹۹۱)، رنجبر و منفردی (۱۳۸۶) حیدری ساریان (۱۳۹۱)، حسینی لشکر آرا (۱۳۹۳) به آن پرداخته‌اند. شاور و همکاران (۱۹۹۱)، پروگی (۲۰۰۴)، انترنام (۲۰۰۷) طاهرخانی و حیدری ساریان (۱۳۸۳)، اعظمی و سروش مهر (۱۳۸۹) و علی بیگی و گلابی (۱۳۹۲) تأثیر مؤلفه‌های فردی و اجتماعی در ایجاد تعاونی‌های زنان روستایی مطالعه نمودند که در این پژوهش نیز مورد تأیید واقع شد. همچنین طبق همین یافته‌ها در مناطق روستایی شهرستان ابرکوه زمینه‌های تشکیل تعاونی تولیدی و خدماتی از نظر زنان جامعه آماری شامل کشاورزی، خدمات، آموزش، صنایع و توزیع است که اولویت نخست برای ایجاد شرکت تعاونی زمینه‌های آموزشی (صنایع دستی، اینترنت و ...) می‌باشد. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که زنان علاقمند به عضویت در تعاونی‌ها از لحاظ سنی، جوان و از سطح تحصیلات بالایی برخوردارند. میزان اطلاع آنان از نحوه کار تعاونی تولیدی و روستایی بسیار پایین بود. بنابراین همانند سایر تحقیقات انجام شده تعاونی‌ها راهکار بسیار مناسبی برای مشارکت آنان در توسعه جوامع روستایی به‌شمار می‌آیند. از

آن‌جا که اکثریت این افراد برای فعالیت‌های تولیدی و خدماتی اقدامی انجام داده بودند از این‌رو این تشکل‌ها نقش بسیار مهم و اساسی در فراهم آوردن شرایط برای ایجاد شغل دارند. چنان‌چه زنانی که جهت انجام کار تولیدی اقدام کرده بودند، خواستار انجام این نوع فعالیت‌ها در قالب تعاونی‌ها بودند و از دیدگاه این گروه از زنان کارآفرین، تعاونی‌ها دارای جایگاه بسیار بالایی جهت این امر محسوب می‌شود.

با توجه به یافته‌های تحقیق مشخص گردید سرمایه، آموزش و حمایت‌های دولت از عوامل اساسی در ایجاد تعاونی‌های زنان روستایی است، لذا پیشنهاد می‌شود تا آموزش زنان و دختران روستایی به‌منظور افزایش میزان خوداتکایی مورد توجه قرار گیرد. هم‌چنین در این راستا کلاس‌های آموزشی در زمینه‌های امور خدماتی، کشاورزی و صنایع دستی با تمرکز بر آموزش مهارت‌های شغلی این فعالیت‌ها برگزار شود. به‌همین دلیل اداره تعاون، سازمان جهاد کشاورزی، مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای و ... اولویت خود را به ارائه خدمات آموزشی، ترویجی و تسهیلات به تشکیل شرکت تعاونی تخصیص دهند. هم‌چنین برپایی سیستم کارآمد آگاهی و اطلاع‌رسانی در زمینه تعاون و شرکت‌های تعاونی صورت گیرد و حمایت‌های لازم درخصوص توانمندسازی و تقویت سطح دانش و خودآگاهی اعضا به عمل آید. تشکیل شورای عالی هماهنگی و ایجاد تعاونی و بازاریابی و فروش محصولات از دیگر اقدامات پیشنهادی محسوب می‌شود.

منابع

- آگهی، ح.، میرک‌زاده، ع. و تقی‌بیگی، م. ۱۳۹۱. اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه مشاغل خانگی زنان روستایی. فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، ۳ (۳): ۲۰۲-۱۸۱.
- اعظمی، م. و سروش مهر، ه. ۱۳۸۹. تأثیر متغیرهای فردی و اقتصادی زنان روستایی بر مشارکت آنان در تعاونی تولید (مطالعه موردی: تعاونی توپ‌سازی شهرستان پاوه و اوارامانات. مجله پژوهش‌های روستایی، (۴) ۱۷۶: ۲۰۴-۱۷۹.
- بندرزی، ز. و نیک‌نامی، م. ۱۳۹۲. شناسایی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر توانمندسازی اعضای تعاونی‌های روستایی زنان استان ایلام. نشریه پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، (۳) ۲۳: ۶۳-۷۷.
- حسینی، ط. و لشکرآرا، ف. ۱۳۹۳. شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه مهارت‌های کارآفرینی در زنان روستایی استان فارس، پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، ۲ (۲۶): ۳۳-۱۳.
- حیدری‌ساریان، و. ۱۳۹۱. بررسی عوامل مؤثر بر تشکیل تعاونی‌های تولیدی در مناطق روستایی (مطالعه‌موردی: استان اردبیل) پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۸۰: ۱۱۸-۱۰۳.
- رنجبر، س. و منفردی‌راز، ب. ۱۳۸۶. بررسی روش‌های آموزش و ترویج بخش تعاون و ارائه راهکارها، ماهنامه تعاون، ۱۹۰: ۱۱۹-۱۱۰.

شعبانعلی فمی، ح.، چوبجیان، ش.، رحیمزاده، م. و رسولی، ف. ۱۳۸۵. شناخت و تحلیل سازه‌های موفقیت شرکت‌های تعاونی زنان در ایران، فصلنامه زنان، ۲: ۱۰۹-۸۹.

شهبازی، الف. ۱۳۸۱. روستازادگان دانشمند، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی شقایق روستا، تهران.

طاهرخانی، م. و حیدری ساربان. ۱۳۸۳. نقش تعاونی‌های تولیدی در توسعه مناطق روستایی (مطالعه موردی: شهرستان مشکین شهر)، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، ۴۹: ۱۲۶-۱۱۵.

علی‌بیگی، الف. و گلابی، س. ۱۳۹۲. تحلیل مشارکت زنان روستایی شهرستان فلاورجان در تعاونی‌ها: کاربرد نردبان مشارکت شری آرنستین، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، ۴: ۴۳-۲۱.

کلانتری، خ.، اسدی، ع.، رحیمیان، م.، محمدی، م.، انصاری، ع. و طرفی، ع. ۱۳۹۱. وضعیت سرمایه اجتماعی در تعاونی‌های تولیدی روستایی شهرستان کوه‌دشت و عوامل مرتبط با آن، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، ۴۲: ۱۵۲-۱۲۹.

لطیفی، س.، سعدی، ح. و شعبانعلی فمی، ح. ۱۳۹۳. ارزیابی نقش تعاونی‌های فرش دستباف روستایی در توانمندسازی زنان قالیباف (مطالعه موردی استان همدان)، جغرافیا و توسعه، (۳۷): ۱۳۳-۱۱۹.

لهسایی‌زاده، ع.، جهانگیری، ج. و خواجه‌نوری. ۱۳۸۴. بررسی مشارکت اقتصادی زنان (مطالعه موردی: استان فارس)، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۶ (۳): ۱۴۵-۱۲۴.

هادی‌زاده بزاز، م.، شایان، ح. و بوذرجمهر، خ. ۱۳۹۲. سنجش و ارزیابی عوامل مؤثر در بهبود عملکرد تعاونی‌های تولید روستایی، مورد مطالعه: استان خراسان رضوی، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۴(۶): ۱۳۶-۱۲۰.

Beugelsdijk, S. and Schaik, T. 2005. Differences in social capital Between 54 western European Regions, *Regional studies*.

Champoko, N. 2006. *Cooperatives Group work*. Cambridge Harvard University.

Chant, S. 2003. *New Contributions to the analysis of Poverty: methodological and conceptual challenges to understanding poverty from a gender perspective*. Santiago: CEPALU.N. Women and Development.

Enternam, P. 2007. Reactions of Spanish cooperatives to globalization: India Discourse types, *Journal of Rural Cooperation*, 11-41.

Esim, S. Omeira. 2009. Rural women Producers and cooperatives in conflicts settings in the Arab states, the FAO-IFAS-ILO workshop on gaps, trends and current research in gender dimensions of agricultural and the rural employment: differentiated pathways out of poverty. Rome, 31 Murch-2 April 2009.

FAO. 2007. Laub R. Najros E, Sustainable Agriculture and Rural Development Policy. Brief

FAO Publications Policy Brief series available. www.FAO.com/Resent Releases.

Portes, D. and Alejandro, P. 1998. Social Capital: it's original and Application in Modern sociology, *Annual Review of sociology*, 24: 1-24.

Prokopy, L.S. 2004. Women's participation in rural water supply projects in India: is it moving beyond tokenism and does it Mutter? *Water Policy*, 6: 103-116.

Riano, R. E. and Okali, C. 2008. Women's empowerment through their participation in productive projects, *Unsuccessful Experiences*. Convergencia. UAEM. Mexico. 46: 100-122.

Shaver, K., Linda, R. and Scott. 1991. Person, Process, choice: the psychology of new venture creation, *Entrepreneurship theory and practice*, 39: 23-45.

Trauger, A., Sachs, C., Barbercheck, M., Kiman, N.E., Brasier, K. and Findeies, J. 2008. Agricultural Education: Gender Identity and knowledge Exchange. *Journul of Rurul studies*. 24: 432-439.

**A survey on the efficient factors on the establishment of the
rural women cooperatives (Case Study: Rural settlements
in Nir and Abarkuh County of Yazd Province)**

Hosein KHademi^{1*}

Submitted: 31 May 2017

Accepted: 10 April 2018

Abstract

Rural cooperatives including the basic institutions in rural communities play an important role and can be used to apply techniques and participatory approaches to apply the women's task force. On this basis, the present study was done with the aim to review and find the fields of the creation of manufacturing and services cooperatives of women in the rural areas of Abarkuh County and Section NIR of the Taft county that are in Yazd province. The type of research in terms of the objective is applied and it is based on the descriptive analytical research and investigation. The Krejcie and Morgan table was used to determine the statistical sample size and from among the women residing in the scope of the study 72 women were selected. The two characteristics used were that they be an applicant to create a cooperative and be familiar with how to create areas of work and activities for women. Qualitative data collection method was used and a questionnaire was used to obtain quantitative information, and the participatory rural appraisal (PRA) methods was employed. The findings of the research showed that 81.9 percent of women had a positive view in the executive levels have created in the fields of cooperatives That is the most important they can be the agricultural sector, education and services. This means that they are responsible for taking social and economic and membership role in the cooperative that is in accordance with their own personal interests.

Keywords: Women employment, Participatory rural appraisal, Production cooperatives, Rural cooperative